

سخن سردبیر

مُدَهَّاهِی مدیریتی، مفاهیم مدیریتی هستند که با سرعت به نسبت آرام سهم بزرگی در گفتمان عمومی مدیریت به دست می‌آورند. هرچند مُدَهَّاهِی مدیریتی زودگذر هستند و توان برآورده‌سازی انتظارهایی را که ایجاد می‌کنند ندارند، ولی ممکن است اثرهای عمیقی بر سازمان‌ها بگذارند. امروزه، حاکمیت^۱ را می‌توان نوعی مُدَهَّاهِی مدیریتی به شمار آورد. مقاله‌ها و کتاب‌های زیادی با رویکرد حاکمیتی نوشته می‌شوند. هرچند اندیشمندانی مانند کایر^۲ (۲۰۰۴)، تلاش می‌کنند حاکمیت را در مفهوم کلی «الگوی وضع، کاربرد، و اعمال قواعد تعريف کنند»، ولی دیگران بیشتر قصد دارند آن را در مفاهیم دیگری بسط دهند که خود به یک مسئله در مفاهمه حاکمیت در میان اندیشمندان علوم اداری، علوم سیاسی، حقوق و دیگر رشته‌های مرتبط تبدیل شده است، تا جایی که حتی در مورد معادل فارسی Governance اختلاف نظر قابل توجهی وجود دارد. برای مثال، حاکمیت، حکمرانی، حکمرانی، و نظام تدبیر معادل‌هایی هستند که نویسنده‌گان، سیاستمداران، و مدیران در نوشته‌ها و سخنرانی‌های خود بکار می‌برند.

گذشته از این، بررسی وجود و ابعاد مختلف حاکمیت بخش قابل توجهی از ادبیات نظری را به خود اختصاص می‌دهد. برخی اندیشمندان با تمرکز بر تعالی حاکمیتی سعی دارند حاکمیت متعالی^۳ را در پرتو ویژگی‌هایی چون شفافیت، پاسخگویی، و مشارکت تعريف کنند (Lyon, 2000). برخی دیگر اما با تمرکز بر سبک‌های حاکمیتی، سلسه‌مراتبی، بازارگون، و شبکه‌ای انتخاب معیارهای مناسب را شناسایی می‌کنند (Koch & Dixon, 2007). تعیین بازیگران حاکمیتی از دیگر تلاش‌های پژوهشی است که بر تعريف نقش بازیگران بخش‌های دولتی، خصوصی، رسانه‌ها، نظامیان، و جامعه مدنی تاکید دارد (Jones et al., 1997). البته متناسب با سطح حاکمیتی، نقش این بازیگران نیز تغییر پیدا می‌کند. استوکر^۴ (۱۹۹۸)، معتقد است در سطح حاکمیت شهری و در برخی کشورها، بازیگران چهارگانه‌ای وجود دارند: ۱. حکومت محلی؛ ۲. جامعه مدنی؛ ۳. بخش خصوصی؛ و ۴. نظامیان، و در دیگر کشورها ممکن است به جای نظامیان، رسانه‌ها به بازیگران کلیدی تبدیل شوند.

باید در نظر داشت که حاکمیت به چیزی وسیع‌تر از دولت دلالت دارد و چگونگی راهبری و قواعد بازی را مشخص می‌کند. بنابراین، حاکمیت در سطوح مختلفی مانند حاکمیت سازمانی/شرکتی، حاکمیت شهری، حاکمیت محلی، و حاکمیت ملی، و حاکمیت بین‌المللی بکار گرفته می‌شود. پژوهش‌های صورت‌گرفته در سطح حاکمیت شرکتی از غنای بیشتری برخوردارند. جنبه‌های کلیدی حاکمیت شرکتی شامل شفافیت ساختار و عملیات سازمان، پاسخگویی مدیران در برابر ذی‌نفعان، و مستولیت سازمان نسبت به کارکنان، عرضه‌کنندگان، بستانکاران، و جوامع محلی در حوزه فعالیت شرکت‌هast.

موضوع حاکمیت جهانی ناظر بر روابط بین‌المللی است. به اختصار می‌توان گفت حاکمیت جهانی ناظر بر چگونگی سازگاری با مسائل فراکشوری (مانند آلودگی هوا و کودکان کار) است؛ با این فرض که دولت جهانی وجود ندارد. امروزه شاهد ظهور جامعه مدنی جهانی Rosenau & Czempiel, 2009 هستیم و تعداد زیادی نظام قواعد متفاوت با ویژگی‌های فراملی و حاکمیت بدون حکومت در حال شکل‌گیری است (). واکنش به جهانی شدن و چگونگی آن، موضوع حاکمیت جهانی، شکل‌گیری موسسه‌های جهانی و تغییرهای ناشی از جهانی شدن است.

کیزر^۵ (۱۹۸۲)، در تبیین چارچوب نهادی به سه لایه از تصمیم‌گیری بهم مرتبط اما متمایز اشاره می‌کند که شامل انتخاب نهادی، انتخاب جمعی، و تصمیم‌های عملیاتی است. هیل و هیوب^۶ (۲۰۰۶)، معتقد هستند که چنین تمایز مفهومی می‌تواند در مطالعه حاکمیت بکار گرفته شود. آن‌ها با تدوین «چارچوب حاکمیت چندگانه»، مطالعه فرایند خطمنشی را با مفهوم حاکمیت مرتبط می‌سازند. جنبه سلامت تصمیم‌گیری و رفتار در سال‌های اخیر اهمیت بیشتری پیدا کرده و به بدنه پراکنده‌ای از پژوهش‌های علمی و نظریه‌پردازی تبدیل شده است. انسان‌ها به طور بدیهی سالم بودن را بر هر چیزی در زندگی ترجیح می‌دهند. سلامت^۷ یک ویژگی یا کیفیت است که به

1. Governance

2. Kjaer

3. Governance Excellence

4. Stoker

5. Kiser

6. Hill & Hupe

7. Integrity

تطبیق یافتن با هنگارها و ارزش‌های فرخویی مرتبط اشاره دارد (Huberts, 2014). ناگفته نماند، هرچند سلامت یک جنبه اساسی در حاکمیت مطلوب است، اما تنها جنبه آن نیست.

حاکمیت پایدار^۱ یکی دیگر از شاخص‌های نوین است که توسط کشورهای عضو OECD بکار گرفته می‌شود. این شاخص برای مقایسه حاکمیت بکار می‌رود و اصلاحات مورد نیاز در کشورها را از نظر استقرار حاکمیت پایدار تشخیص می‌دهد. حاکمیت پایدار بر مبنای سه محور ساخته می‌شود: ۱. عملکرد خطمنشی؛ ۲. دموکراسی؛ و ۳. حاکمیت (Stiftung, 2010).

مطالعه حاکمیت با رویکرد اسلامی سهم قابل توجهی در ادبیات حاکمیتی به خود اختصاص داده است. نتیجهٔ برخی از پژوهش‌های کیفی با تکیه بر متون اسلامی به شکل‌گیری مدل‌های جدیدی، مانند حاکمیت شایسته اسلامی، منجر شده است که انتظار می‌رود با انجام پژوهش‌های تکمیلی، کشورهای اسلامی بتوانند مدل مطلوب اسلامی را شناسایی کنند و مبنای تصمیم‌گیری خود در مسیر توسعه قرار دهند.

همان‌طور که کوتاه اشاره شد، پژوهش‌های گسترده‌ای در زمینهٔ حاکمیتی با تمرکز بر سطوح، بازیگران، تعالیٰ حاکمیتی، پایداری حاکمیت، و سلامت حاکمیت آغاز شده است. مسائل عمومی بسیاری در ایران با موضوع حاکمیت پیوند دارد و ضروری است پژوهش‌های دانشگاهی به صورت جهت‌دار بر حل این مسائل حاکمیتی هدایت شوند. همان‌طور که در خطمنشی‌های ابلاغی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری منعکس است، مسئله محور کردن پژوهش‌های دانشگاهی در حوزهٔ حاکمیت یک ضرورت راهبردی است.

منابع

(الف) انگلیسی

- Hill, M., & Hupe, P. (2006). Analysing Policy Processes as Multiple Governance: Accountability in Social Policy. *Policy & Politics*, 34(3), 557-573.
- Huberts, L. (2014). *The Integrity of Governance: What It Is, What We Know, What Is Done and Where To Go*: Springer.
- Jones, C., Hesterly, W. S., & Borgatti, S. P. (1997). A General Theory of Network Governance: Exchange Conditions and Social Mechanisms. *Academy of Management Review*, 22(4), 911-945. <https://doi.org/10.5465/amr.1997.9711022109>
- Kiser, L. (1982). *Strategies of Political Inquiry* (Ostrom, Elinor ed.), Chapter: *The Three Worlds of Action, A Metatheoretical Synthesis of Institutional Approaches*. Beverly Hills: Sage.
- Kjaer, A. M. (2004). *Governance*. Cambridge: Polity.
- Koch, D. R., & Dixon, J. (2007). *Public Governance and Leadership*: Deutscher Universitäts-Verlag.
- Lyon, P. (2000). Partnership for Good Governance in the 21st Century. *Australian Journal of Public Administration*, 59(3), 87-93. <https://doi.org/10.1111/1467-8500.00170>
- Rosenau, J. N., & Czempiel, E.-O. (2009). *Governance without Government*: Cambridge University Press.
- Stiftung, B. (2010). *Sustainable Governance Indicators 2009: Policy Performance and Executive Capacity in the OECD*: Verlag Bertelsmann Stiftung.
- Stoker, G. (1998). Public-Private Partnerships and Urban Governance. In *Partnerships in Urban Governance* (pp. 34-51): Springer. https://doi.org/10.1007/978-1-349-14408-2_3

1. Sustainable Governance